



انجمن علمی فقه‌پژای تفسیری ایران



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

Volume 4, Issue 2, 2026

The Tension Between Justice and Politics in the Practice of the International Criminal Court: A Critical Analysis of the Kenyatta and Duterte Cases

Zeinab Bagherinejad^{1*}

1. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 101-114

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0000-0002-7597-7284

TELL: +9800000000000

Email:

zeinabbagherinezhad@iau.ac.ir

Article History:

Received: 21 Aug 2025

Revised: 11 Sep 2025

Accepted: 19 Oct 2025

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

International Criminal Court, Criminal Justice, International Politics, Kenyatta, Duterte, Rome Statute.

ABSTRACT

The International Criminal Court, as the most important permanent institution of international criminal justice, was established to combat impunity and prosecute perpetrators of the gravest international crimes. Nevertheless, practical experience demonstrates that the realization of justice is constantly affected by political pressures from states. The cases of Uhuru Kenyatta and Rodrigo Duterte are among the most significant contemporary examples of this challenge, since in one case non-cooperation by a State Party was central, while in the other withdrawal from the Rome Statute became a mechanism of resistance. The main question of this study is how the tension between justice and politics emerged in these two cases and how it affected the effectiveness of the Court. Using a descriptive-analytical method and relying on library sources, official documents, and judicial practice, this article finds that the principal manifestations of political interference include non-cooperation, diplomatic pressure, obstruction of evidence gathering, legal attempts to restrict jurisdiction, and a gap between legal authority and practical enforcement. The study concludes that the Court's principal crisis is less a crisis of legal legitimacy than one of enforcement and structural dependence on the political will of states. The practical recommendation is to strengthen enforcement guarantees for state cooperation, expand witness protection mechanisms, and improve the Court's executive capacities.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Bagherinejad, Z. (2026). "The Tension Between Justice and Politics in the Practice of the International Criminal Court: A Critical Analysis of the Kenyatta and Duterte Cases". *Journal of International Criminal Law*, 4(2): 101-114.

مقدمه

پایان جنگ سرد و گسترش گفتمان جهانی حقوق بشر، زمینه‌ساز تحول بنیادین در حقوق کیفری بین‌المللی شد. تأسیس دادگاه‌های کیفری موقت برای یوگسلاوی سابق و رواندا و سپس ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۱۹۹۸، نشان‌دهنده اراده جامعه بین‌المللی برای مقابله با بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات شدید بین‌المللی بود (Delmas-Marty, 2004). دیوان کیفری بین‌المللی بر پایه این اندیشه شکل گرفت که برخی جرائم چنان شدید و اثرگذارند که تعقیب و مجازات مرتکبان آن‌ها نه صرفاً موضوعی داخلی، بلکه دغدغه‌ای مشترک برای کل جامعه جهانی است (Pellet, 2011).

با وجود این، دیوان از بدو فعالیت با این پرسش بنیادین مواجه بوده است که آیا می‌توان عدالت کیفری بین‌المللی را مستقل از ملاحظات سیاسی اعمال کرد؟ ساختار صلاحیتی دیوان، وابستگی آن به همکاری دولت‌ها، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارجاع یا تعلیق پرونده‌ها، و نیز واکنش متفاوت دولت‌ها به تحقیقات دیوان، همگی نشان می‌دهد که عدالت بین‌المللی در خلأ سیاسی عمل نمی‌کند (Ascensio, 2015).^۱ در این میان، دو پرونده اوهورو کنیاتا و رودریگو دوترته از برجسته‌ترین نمونه‌های تقابل عدالت و سیاست در عملکرد دیوان به شمار می‌روند. پرونده نخست، محدودیت‌های دیوان در برابر دولت عضو ناهماهنگ را آشکار ساخت و پرونده دوم، حدود صلاحیت دیوان در مواجهه با خروج یک دولت از اساسنامه رم را به آزمون گذاشت. بررسی تطبیقی این دو پرونده می‌تواند ابعاد نظری و عملی رابطه میان عدالت کیفری و سیاست بین‌الملل را روشن‌تر سازد. بنابراین، پرسش اصلی پژوهش آن است که چگونه ملاحظات سیاسی بر روند رسیدگی و کارآمدی دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده‌های کنیاتا و دوترته اثر گذاشته است؟

فرضیه تحقیق آن است که هرچند دیوان از ظرفیت حقوقی لازم برای پیگیری جرائم بین‌المللی برخوردار است، اما

ملاحظات سیاسی دولت‌ها و ضعف ابزارهای اجرایی، مانع تحقق کامل اهداف عدالت کیفری بین‌المللی می‌شود. افزون بر پرسش اصلی، این پژوهش با دو پرسش فرعی دیگر نیز هدایت می‌شود: نخست، تفاوت الگوهای مقاومت سیاسی دولت‌ها در پرونده‌های کنیاتا و دوترته چه تأثیری بر نحوه اعمال صلاحیت و راهبردهای تعقیب دیوان کیفری بین‌المللی داشته است؟ دوم، چه اصلاحات حقوقی و نهادی می‌تواند از تأثیرپذیری دیوان از فشارهای سیاسی کاسته و کارآمدی آن را افزایش دهد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، دو فرضیه فرعی مطرح می‌شود: فرضیه نخست آن است که هرچه مقاومت سیاسی دولت‌ها سازمان‌یافته‌تر و مبتنی بر ابزارهای حقوقی یا منطقه‌ای باشد، هزینه اجرایی تعقیب برای دیوان افزایش یافته و احتمال ناکامی فرآیند رسیدگی بیشتر می‌شود. فرضیه دوم آن است که تقویت سازوکارهای همکاری اجباری دولت‌ها، توسعه حمایت از شهود و ادله و محدودسازی مداخلات سیاسی در فرآیندهای ارجاع و تعقیب، می‌تواند استقلال و اثربخشی دیوان کیفری بین‌المللی را به نحو محسوس ارتقا دهد.

از این‌رو، هدف اصلی این مقاله، تبیین و ارزیابی میزان تأثیر ملاحظات سیاسی بر عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی در فرآیند تعقیب و رسیدگی به جنایات بین‌المللی است. در همین راستا، پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مطالعه تطبیقی که مبتنی بر مطالعه اسناد، آرای دیوان، کتب، مقالات و رساله‌های فارسی و فرانسوی است، الگوهای متفاوت مقاومت دولت‌ها در برابر صلاحیت دیوان، حدود کارآمدی ابزارهای حقوقی موجود و نقاط ضعف ساختاری این نهاد را شناسایی کند. همچنین هدف کاربردی مقاله، ارائه پیشنهادهایی برای تقویت استقلال قضایی، افزایش ضمانت اجرای همکاری دولت‌ها و کاهش تأثیرپذیری دیوان از فشارهای سیاسی در نظام بین‌الملل است.

در خصوص پیشینه پژوهش، آثار متعددی به بررسی نسبت میان عدالت کیفری بین‌المللی، حاکمیت دولت‌ها و عملکرد

¹- Rodrigo Roa Duterte

²- Uhuru Muigai Kenyatta

توجیه می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد که هرچند دیوان از مشروعیت حقوقی برخوردار است، اما برای موفقیت عملی نیازمند مشروعیت سیاسی و منطقه‌ای نیز هست. این مطالعه نقش تعیین‌کننده سازمان‌های منطقه‌ای، به‌ویژه اتحادیه آفریقا، را برجسته می‌سازد (Ascensio, 2015).

پنجم، برنار در رساله دکتری "La Cour pénale internationale face aux résistances étatiques" با تحلیل رفتار دولت‌های مخالف دیوان، به این یافته رسیده است که مقاومت در برابر دیوان تنها به عدم همکاری محدود نمی‌شود، بلکه گاه در قالب خروج از معاهده، تخریب مشروعیت نهاد و فشار دیپلماتیک نیز بروز می‌یابد. وی پرونده فیلیپین را نمونه‌ای از مقاومت حقوقی - سیاسی جدید می‌داند. نتیجه اصلی این پژوهش آن است که دیوان باید راهبردهای پاسخ‌گویی خود را متناسب با اشکال نوین مقاومت دولت‌ها بازطراحی کند (Bernard, 2018).

با وجود ارزش علمی آثار یادشده، نوآوری مقاله حاضر در آن است که برای نخستین بار، دو پرونده کنیاتا و دوترته به‌عنوان دو الگوی متفاوت مقاومت سیاسی در برابر عدالت کیفری بین‌المللی، در قالب مطالعه‌ای تطبیقی و انتقادی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ به نحوی که یکی نمایانگر مانع‌تراشی از طریق عدم همکاری دولت عضو و دیگری نشان‌دهنده تلاش برای گریز از پاسخگویی از مسیر خروج از معاهده است. افزون بر این، مقاله حاضر می‌کوشد با تلفیق تحلیل حقوقی و سیاسی، نشان دهد که چالش‌های دیوان صرفاً ناشی از ضعف هنجارهای حقوقی نیست، بلکه ریشه در ساختار قدرت در نظام بین‌الملل دارد.

در پایان، ساختار مقاله حاضر بدین‌گونه تنظیم شده است که ابتدا در قسمت نخست، مبانی نظری تقابل عدالت و سیاست در حقوق کیفری بین‌المللی و جایگاه دیوان کیفری بین‌المللی بررسی می‌شود. سپس در قسمت دوم، پرونده اوهورو کنیاتا و تأثیر عدم همکاری دولت کنیا و فشارهای سیاسی منطقه‌ای بر روند رسیدگی تحلیل خواهد شد. قسمت سوم به بررسی پرونده رودریگو دوترته، مسئله خروج فیلیپین از اساسنامه رم و حدود صلاحیت دیوان اختصاص دارد. در قسمت چهارم، یافته‌های

دیوان کیفری بین‌المللی پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

نخست، سیفی و نریمانی در مقاله "چالش‌ها و ضعف‌های اجرایی تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی" با مطالعه رویه دیوان در پرونده‌های آفریقایی، به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین مانع اجرای تصمیمات دیوان، فقدان ضمانت اجرای مؤثر برای الزام دولت‌ها به همکاری است. نویسندگان نشان می‌دهند که هرگاه اراده سیاسی دولت‌ها برای همکاری کاهش یابد، ابزارهای حقوقی دیوان به‌تنهایی کفایت نمی‌کند. این پژوهش بر ضرورت اصلاح سازوکارهای همکاری بین‌المللی تأکید دارد (سیفی و نریمانی، ۱۳۹۸).

دوم، رضایی در رساله دکتری "صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و محدودیت‌های سیاسی آن" با تحلیل نقش شورای امنیت و دولت‌های قدرتمند، نتیجه گرفته است که اعمال صلاحیت دیوان در بسیاری موارد تحت تأثیر ملاحظات ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد. وی معتقد است که وابستگی برخی فرآیندهای ارجاع و تعلیق به شورای امنیت، نوعی عدم توازن ساختاری در عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کرده است. این پژوهش بر لزوم بازنگری در رابطه دیوان و شورای امنیت تأکید می‌کند (رضایی، ۱۴۰۰).

سوم، دلماس مارتی در اثر خود تحت عنوان "Trois défis pour un droit mondial" به بررسی چالش‌های شکل‌گیری نظم کیفری جهانی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که عدالت کیفری بین‌المللی بدون ایجاد تعادل میان حاکمیت دولت‌ها و ارزش‌های جهان‌شمول حقوق بشر پایدار نخواهد بود. وی تأکید می‌کند که دیوان کیفری بین‌المللی محصول مصالحه میان آرمان عدالت و واقعیت سیاست است. از نظر او، آینده دیوان به میزان پذیرش تدریجی محدودیت حاکمیت دولت‌ها وابسته است (Delmas-Marty, 2004).

چهارم، آسنسیو در مقاله "La justice pénale internationale et la souveraineté" با تمرکز بر پرونده‌های کنیا و سودان نشان می‌دهد که مقاومت دولت‌ها در برابر دیوان اغلب در قالب استناد به حاکمیت ملی و عدم مداخله

عدالت کیفری بین‌المللی افزون بر مجازات مرتکبان، دارای کارکردهای دیگری مانند حمایت از قربانیان، تثبیت حافظه تاریخی، بازدارندگی عمومی و تقویت حاکمیت قانون است. با این حال، تحقق این اهداف مستلزم همکاری دولت‌ها، دسترسی به ادله و وجود اراده سیاسی برای اجرای تصمیمات قضایی است. از همین رو، عدالت کیفری بین‌المللی در عمل صرفاً یک مفهوم حقوقی نیست، بلکه در تعامل مستمر با واقعیت‌های سیاسی قرار دارد.

۱-۲- مفهوم سیاست در بستر دادرسی بین‌المللی

مراد از سیاست در این مقاله، مجموعه رفتارها و تصمیماتی است که بازیگران قدرت در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی برای حفظ منافع، امنیت، مشروعیت یا نفوذ خود اتخاذ می‌کنند. در حوزه دادرسی بین‌المللی، سیاست زمانی ظهور می‌یابد که دولت‌ها یا نهادهای بین‌المللی بکوشند بر آغاز تحقیقات، روند رسیدگی، اجرای احکام یا دامنه صلاحیت مراجع قضایی اثر بگذارند.

سیاست‌زدگی عدالت کیفری بین‌المللی می‌تواند در قالب‌های گوناگون بروز کند. گاه دولت‌ها از همکاری با دادستان یا دیوان خودداری می‌کنند، گاه بر شهود و قربانیان فشار وارد می‌شود و گاه از ابزارهای حقوقی همچون خروج از معاهدات یا

دو پرونده به صورت تطبیقی ارزیابی شده و جلوه‌های مختلف تقابل عدالت و سیاست در رویه دیوان تبیین می‌شود. سرانجام، در نتیجه‌گیری، مهم‌ترین یافته‌ها، ارزیابی نهایی و پیشنهاد‌های اصلاحی ارائه خواهد شد.

۱- مبانی نظری تقابل عدالت و سیاست در دیوان کیفری بین‌المللی

۱-۱- مفهوم عدالت کیفری بین‌المللی

عدالت کیفری بین‌المللی به مجموعه‌ای از قواعد، نهادها و سازوکارهای حقوقی اطلاق می‌شود که با هدف تعقیب و مجازات مرتکبان شدیدترین جنایات شنیع بین‌المللی شکل گرفته است. نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز ارضی از مهم‌ترین مصادیق این دسته از جنایات به شمار می‌آیند. اندیشه بنیادین این نظام آن است که برخی جرائم به دلیل شدت، گستره آثار و تعرض به ارزش‌های مشترک بشری، صرفاً موضوع صلاحیت داخلی دولت‌ها نیستند و جامعه بین‌المللی نیز در قبال آن‌ها مسؤولیت دارد (اردبیلی، ۱۳۹۸).

پس از جنگ جهانی دوم و برگزاری دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو، اصل مسؤولیت کیفری فردی در سطح بین‌المللی به تدریج تثبیت شد. این روند در دهه ۱۹۹۰ با تشکیل دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا ادامه یافت و نهایتاً در قالب تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی نهادینه شد که می‌توان این تحول را گذار از عدالت کیفری استثنایی به عدالت کیفری نهادی و دائمی توصیف می‌کند (Delmas-Marty, 2004).

^۱ - برای نمونه می‌توان به عدم همکاری کشور اردن (که عضو دیوان کیفری بین‌المللی است) در بازداشت عمرالبشیر اشاره نمود.

Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Judgment in the Jordan Referral re Al-Bashir Appeal, ICC-02/05-01/09-397 (Appeals Chamber, 6 May 2019).

^۲ - برای نمونه می‌توان به پرونده بمبا اشاره کرد که در آن بمبا به همراه برخی از اعضای تیم دفاعش با پرداخت پول، تماس‌های پنهانی، آموزش دادن به شهود و ترغیب آنها به ارائه شهادت خلاف واقع در روند دادرسی مداخله کرده‌اند.

The Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, Aimé Kilolo Musamba, Jean-Jacques Mangenda Kabongo, Fidèle Babala Wandu and Narcisse Arido, Judgment pursuant to Article 74 of the Rome Statute, Trial Chamber VII, International Criminal Court, ICC-01/05-01/13-1989-Red, 19 October 2016.

^۳ - برای نمونه می‌توان به کشور بوروندی اشاره کرد. بوروندی پس از آغاز بررسی مقدماتی دیوان درباره ادعاهای مربوط به جنایت علیه بشریت، در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که از اساسنامه رم خارج می‌شود.

Situation in the Republic of Burundi, Public redacted version of "Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Burundi", Pre-Trial Chamber III, International Criminal Court, ICC-01/17-X-9-US-Exp, 25 October 2017.

با وجود این ظرفیت مهم، دیوان فاقد نیروی پلیس مستقل و سازوکار اجرایی مستقیم است. بازداشت متهمان، انتقال آنان، اجرای دستورات قضایی و حتی بخش مهمی از جمع‌آوری ادله، وابسته به همکاری دولت‌هاست.^۳ این وابستگی، مهم‌ترین محدودیت ساختاری دیوان در تبدیل اقتدار حقوقی به قدرت اجرایی است (Corten, 2016).

از سوی دیگر، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در ارجاع برخی وضعیت‌ها به دیوان یا تعلیق رسیدگی‌ها، رابطه میان عدالت و سیاست را آشکارتر می‌سازد. هرچند این سازوکار با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی طراحی شده است، اما در عمل می‌تواند زمینه‌ساز استانداردهای دوگانه و اعمال نفوذ قدرت‌های بزرگ شود (رضایی، ۱۴۰۰). از این‌رو، دیوان کیفری بین‌المللی نهادی است که مشروعیت خود را از حقوق می‌گیرد، اما کارآمدی آن تا حد زیادی به مناسبات قدرت وابسته است. فهم این وضعیت برای تحلیل پرونده‌های کنیاتا و دوترته اهمیت اساسی دارد؛ زیرا هر دو پرونده نشان می‌دهند که چگونه مقاومت سیاسی دولت‌ها می‌تواند مسیر عدالت کیفری بین‌المللی را دگرگون سازد.

درخواست تعلیق رسیدگی استفاده می‌شود. این وضعیت را می‌توان نتیجه طبیعی فعالیت نهادهای قضایی در محیط قدرت‌محور بین‌المللی دانست (Ascensio, 2015).

با این حال، باید میان «تأثیر سیاست بر عدالت» و «ماهیت سیاسی نهاد قضایی» تفاوت قائل شد. دیوان کیفری بین‌المللی یک نهاد قضایی است که بر پایه قواعد حقوقی تصمیم می‌گیرد، اما در محیطی سیاسی فعالیت می‌کند. بنابراین، مسئله اصلی نه حذف کامل سیاست، بلکه مهار آثار منفی آن بر استقلال، بی‌طرفی و کارآمدی دیوان است (محمدی، ۱۳۹۸).

۳-۱- دیوان کیفری بین‌المللی در مرز میان حقوق و قدرت

دیوان کیفری بین‌المللی به موجب اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ تأسیس و از سال ۲۰۰۲ آغاز به کار کرد. این دیوان نخستین دادگاه دائمی بین‌المللی است که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین جنایات بین‌المللی را داراست. یکی از ویژگی‌های مهم آن، امکان تعقیب اشخاص حقیقی بدون توجه به مقام رسمی آنان است؛ به گونه‌ای که اصل مصونیت مقام رسمی در مواردی مانع رسیدگی تلقی نمی‌شود.

^۱ - برای نمونه می‌توان به درخواست اتحادیه آفریقا جهت به تعلیق انداختن رسیدگی در پرونده عمرالبشیر استناد کرد که بر اساس آن اتحادیه آفریقا استدلال می‌کرد که تعقیب البشیر ممکن است روند صلح در دارفور سودان را مختل کند، و به همین دلیل از شورای امنیت خواسته شد با استناد به ماده ۱۶ اساسنامه رم، رسیدگی دیوان را تعلیق کند؛ اما شورای امنیت این درخواست را نپذیرفت.

Assembly of the African Union, Decision on the Progress Report of the Commission on the Implementation of Assembly Decisions on the International Criminal Court, Assembly/AU/Dec.245(XIII) Rev.1, Sirte, 3 July 2009.

^۲ - ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند، موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید».

^۳ - نمونه بارز وابستگی دیوان کیفری بین‌المللی به همکاری دولت‌ها در اجرای تصمیمات قضایی، در پرونده جوزف کنی مشاهده می‌شود؛ جایی که با وجود صدور قرار بازداشت از سوی دیوان، به علت فقدان نیروی اجرایی مستقل و عدم امکان اجرای مستقیم دستورات قضایی، بازداشت متهمان برای سال‌ها محقق نشد.

The Prosecutor v. Joseph Kony, Vincent Otti, Okot Odhiambo and Dominic Ongwen, Decision on the Prosecutor's Application for Warrants of Arrest under Article 58, Pre-Trial Chamber II, International Criminal Court, ICC-02/04-01/05-53, 8 July 2005.

^۴ - نمونه بارز نقش شورای امنیت در فعال‌سازی صلاحیت دیوان، ارجاع وضعیت دارفور سودان به دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت است که زمینه تشکیل پرونده عمرالبشیر را فراهم کرد.

Situation in Darfur, Sudan, referred to the Prosecutor of the International Criminal Court by United Nations Security Council acting under Chapter VII of the UN Charter, UN Security Council Resolution 1593 (2005), S/RES/1593, 31 March 2005.

^۵ - نمونه‌ای از اعمال واقعی اختیار شورای امنیت در تعلیق رسیدگی‌های دیوان، در قطعنامه ۱۴۲۲ شورای امنیت مشاهده می‌شود که به موجب آن، رسیدگی دیوان نسبت به برخی نیروهای مشارکت‌کننده در عملیات‌های حافظ صلح سازمان ملل برای مدت ۱۲ ماه تعلیق شد؛ تعلیقی که بعداً با قطعنامه ۱۴۸۷ تمدید گردید.

United Nations Security Council, Resolution 1422 (2002), adopted under Chapter VII of the Charter of the United Nations, S/RES/1422 (2002), 12 July 2002.

United Nations Security Council, Resolution 1487 (2003), S/RES/1487 (2003), 12 June 2003.

در جریان تحقیقات، اوهورو کنیاتا به مشارکت در سازمان‌دهی و حمایت از حملات خشونت‌آمیز علیه غیرنظامیان متهم شد. اهمیت سیاسی پرونده زمانی دوجندان شد که وی در ادامه به یکی از اصلی‌ترین چهره‌های قدرت در کنیا تبدیل گردید. از این مرحله، پرونده دیگر صرفاً یک دعوی کیفری نبود، بلکه به موضوعی مرتبط با ثبات سیاسی و مشروعیت دولت بدل شد (رضایی، ۱۴۰۰).

۲-۲- روند رسیدگی و چالش‌های اثبات اتهام

پس از تأیید اتهامات، پرونده وارد مرحله رسیدگی شد، اما مشکلات اثباتی از همان ابتدا خود را نشان داد. دادستان دیوان اعلام کرد که دسترسی به اسناد مالی، داده‌های مخابراتی و سوابق اداری برای اثبات رابطه متهم با سازمان‌دهندگان خشونت ضروری است. با وجود این، همکاری دولت کنیا در ارائه کامل این اطلاعات محدود و همراه با تأخیر بود (لسانی، ۱۴۰۱).

یکی از مهم‌ترین مشکلات پرونده، وضعیت استماع شهادت شهود بود. برخی شهود از اظهارات پیشین خود عدول کردند و برخی دیگر از ادامه همکاری انصراف دادند (لسانی، ۱۴۰۱: ۱۰۵). برخی از پژوهشگران معتقدند که در پرونده‌های مرتبط با خشونت سیاسی، تزلزل در نظام حمایت از شهود می‌تواند کل بنیان اثبات را متأثر سازد (Cryer, 2019). علاوه بر این، طولانی شدن رسیدگی و تعویق‌های مکرر نیز بر اعتبار دیوان

۲- پرونده اوهورو کنیاتا و تقابل عدالت کیفری بین‌المللی با عدم همکاری دولت عضو

۲-۱- زمینه‌های شکل‌گیری پرونده کنیاتا

پرونده اوهورو کنیاتا از مهم‌ترین پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی است که ریشه در خشونت‌های پس از انتخابات ریاست‌جمهوری کنیا در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ دارد. اعلام نتایج انتخابات و اعتراض جریان‌های سیاسی رقیب، به سرعت به درگیری‌های قومی و حزبی گسترده منجر شد و بخش‌هایی از این کشور با ناامنی جدی مواجه گردید. بر پایه گزارش‌های بین‌المللی، این بحران بیش از هزار کشته و صدها هزار آواره بر جای گذاشت. این رخداد را می‌توان از شدیدترین بحران‌های سیاسی کنیا پس از استقلال موردتوجه قرار داد (Mutua, 2012).

در پی ناکامی نهادهای داخلی کنیا در تشکیل مرجع قضایی ویژه و تعقیب عاملان اصلی، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی با استناد به ماده ۱۵ اساسنامه رم درخواست آغاز تحقیق درباره وضعیت کنیا را مطرح کرد (خبازی خادر و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۸). این اقدام از آن جهت اهمیت داشت که شروع رسیدگی در دیوان بدون ارجاع دولت یا شورای امنیت انجام شد. این رویداد گامی مهم در تثبیت نقش فعال دادستان دیوان کیفری بین‌المللی قلمداد می‌گردد (Schabas, 2017).

¹ - Situation in the Republic of Kenya, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya, Pre-Trial Chamber II, International Criminal Court, ICC-01/09-19-Corr, 31 March 2010, paras. 50–51 (noting that over 1,000 persons were killed and approximately 350,000 displaced).

² - The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, Decision on the Confirmation of Charges Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute, Pre-Trial Chamber II, International Criminal Court, ICC-01/09-02/11-382-Red, 23 January 2012, paras. 200–210, 410–420.

^۳ - نخستین تعویق (تعویق تاریخ آغاز محاکمه دسامبر ۲۰۱۳)

The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, Decision on Prosecution's Request for Adjournment of the Provisional Trial Date, Trial Chamber V(b), International Criminal Court, ICC-01/09-02/11-898, 7 February 2014.

دومین تعویق (لغو تاریخ رسیدگی اکتبر ۲۰۱۴)

The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, Order Vacating Trial Date of 7 October 2014, Convening Two Status Conferences, and Addressing Other Procedural Matters, Trial Chamber V(b), International Criminal Court, ICC-01/09-02/11-954, 18 September 2014.

درخواست تعویق مجدد (که در دسامبر ۲۰۱۴ رد شد).

The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, Decision on Prosecution's Application for a Further Adjournment, Trial Chamber V(b), International Criminal Court, ICC-01/09-02/11-981, 3 December 2014.

شد که این تصمیم به معنای براهت ماهوی متهم نبود، بلکه ناشی از فقدان شرایط لازم برای ادامه تعقیب بوده است.

از منظر حقوقی، این پرونده نشان داد که صلاحیت رسمی دیوان به‌تنهایی برای تحقق عدالت کافی نیست. اگر مرجع قضایی به ادله، شهود و همکاری کشورها و نهادهای مختلف در اجرای دستورات و اقدامات دسترسی نداشته باشد، توان مداخله و اقدام مؤثر آن به‌شدت محدود می‌شود. برخی از محققان (سیفی و نریمانی، ۱۳۹۸) این وضعیت را از خلأهای مهم نظام تکمیلی بودن می‌دانند.

از منظر سیاسی نیز پایان این پرونده به منتقدان دیوان فرصت داد تا کارآمدی آن را زیر سؤال ببرند. در مقابل، مدافعان دیوان استدلال کردند که مشکل اصلی در ضعف همکاری دولت‌ها و نبود حمایت سیاسی بین‌المللی است (فروغی نیا، ۱۳۹۸).

۲-۵- ارزیابی انتقادی پرونده کنیاتا

پرونده کنیاتا نشان داد که حتی دولت‌های عضو اساسنامه رم نیز در صورت برخورداری از ظرفیت سیاسی داخلی و حمایت منطقه‌ای، می‌توانند روند دادرسی بین‌المللی را با مانع روبه‌رو سازند. بنابراین، عضویت در معاهده به‌تنهایی تضمین‌کننده همکاری واقعی نیست و تعهدات حقوقی ممکن است در عمل تابع ملاحظات سیاسی شوند. این پرونده همچنین ضعف دیوان در حفاظت از شهود، صیانت از ادله و مدیریت پرونده‌های حساس سیاسی را مشهود ساخت. هرچند بخشی از مشکلات ناشی موجود به دلیل شرایط میدانی خاص انجام تحقیقات بود، اما این انتظار وجود دارد که نهادی با مأموریت جهانی ابزارهای کارآمدتری برای مقابله با این‌گونه فشارها در اختیار داشته باشد.

در مجموع، تجربه کنیا نشان می‌دهد هرگاه متهم از قدرت سیاسی داخلی، مشروعیت انتخاباتی و حمایت منطقه‌ای هم‌زمان برخوردار باشد، عدالت کیفری بین‌المللی با بیشترین سطح آسیب‌پذیری مواجه می‌شود. در چنین وضعیتی، قواعد

اثر گذاشت. قربانیان انتظار داشتند مرجع بین‌المللی با سرعت بیشتری عمل کند، اما پیچیدگی‌های سیاسی و محدودیت‌های اجرایی، روند دادرسی را فرسایشی ساخت که این وضعیت نشان‌دهنده فاصله میان اقتدار هنجاری و توان عملیاتی دیوان است.

۲-۳- نقش دولت کنیا و اتحادیه آفریقا در روند پرونده

با انتخاب اوهورو کنیاتا به ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۳، پرونده وارد مرحله‌ای حساس شد. دولت کنیا بر این باور بود که حضور مستمر رئیس‌جمهور در جلسات رسیدگی دیوان می‌تواند اداره امور کشور را مختل کند. از سوی دیگر، تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای برای تعویق یا تعدیل روند رسیدگی در دیوان آغاز شده بود. این پرونده نمونه‌ای از بهره‌گیری هم‌زمان از ابزارهای حقوقی و سیاسی برای مقابله با فشار قضایی است (Ascensio, 2015).

اتحادیه آفریقا نیز در مواضع رسمی خود از کنیا حمایت می‌کرد تا جایی که ادعا کرد دیوان تمرکز نامتوازنی بر کشورهای آفریقایی دارد. این نهاد خواستار توجه بیشتر به جایگاه سران دولت‌ها و تعلیق برخی رسیدگی‌ها شده بود. این موضع‌گیری تنها ناظر به پرونده کنیا نبود، بلکه بازتاب نارضایتی گسترده‌تر برخی دولت‌های آفریقایی از عملکرد دیوان به شمار می‌رفت (Nouwen, 2013)؛ اگرچه انتقاد از گزینشی بودن عدالت کیفری بین‌المللی در مواردی قابل بررسی و حتی پذیرش است، اما تبدیل این انتقاد به ابزار جلوگیری از رسیدگی قضایی، مرز میان نقد نهادی و حمایت سیاسی از متهمان را مبهم ساخته است.

۲-۴- پایان رسیدگی و پیامدهای حقوقی و سیاسی

در سال ۲۰۱۴، فاتو بنسودا، دادستان دیوان اعلام کرد که به‌دلیل نبود ادله کافی و عدم امکان پیشبرد مؤثر تعقیب، ادامه رسیدگی ممکن نیست و پرونده عملاً مختومه شد. البته بیان

¹ - African Union, Extraordinary Session of the Assembly of Heads of State and Government, Decision on Africa's Relationship with the International Criminal Court (ICC), Ext/Assembly/AU/Dec.1(Oct.2013), Addis Ababa, Ethiopia, 12 October 2013, paras. 8-10.

² - Fatou Bensouda

³ - The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, Prosecution Notice of Withdrawal of the Charges against Uhuru Muigai Kenyatta, Trial Chamber V(B), International Criminal Court, ICC-01/09-02/11-1005, 5 December 2014.

بررسی مقدماتی را برای احراز وجود مبنای معقول جهت آغاز تحقیق شروع کرد. هدف از این مرحله، ارزیابی صلاحیت دیوان، شدت جرائم و امکان اعمال اصل تکمیلی بودن بود (Schabas, 2017)، چراکه بررسی مقدماتی در بسیاری از موارد، مهم‌ترین مرحله برای سنجش ظرفیت مداخله دیوان است.

در مقابل، دولت فیلیپین اعلام کرد که نه تنها این اقدام را مداخله در امور داخلی این کشور قلمداد می‌کند، بلکه نظام قضایی داخلی قادر به رسیدگی به جرائم احتمالی است و از این‌رو دیوان صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت. مقامات رسمی فیلیپین همچنین اعلام کردند که مبارزه با مواد مخدر بخشی از سیاست عمومی حفظ امنیت ملی است و نهادهای بین‌المللی نباید در آن دخالت کنند (Reyes, 2020).

اما در مقابل، منتقدان داخلی و خارجی بر این باور بودند که رسیدگی‌های داخلی نه تنها کافی نیست، بلکه استقلال قضایی لازم را نیز ندارد. از نگاه این دسته از افراد، هنگامی که ادعای ارتکاب گسترده قتل‌های فرا قضایی مطرح می‌شود، نظارت بین‌المللی باید وجود داشته باشد (ناصری پیلهدرق، حسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۲)، چراکه می‌تواند ابزار مهمی برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی مرتکبانی باشد که جزو مقامات سیاسی محسوب می‌شوند.

۳-۳- خروج فیلیپین از اساسنامه رم و آثار آن

یکی از مهم‌ترین واکنش‌های دولت فیلیپین در مقابل شروع رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی، اعلام خروج از اساسنامه رم بود. این تصمیم در سال ۲۰۱۸ اعلام و مطابق سازوکار مقرر در این کشور، پس از طی مهلت قانونی تنفیذ و اجرا شد. دولت فیلیپین استدلال می‌کرد که دیوان به صورت جانب‌دارانه عمل کرده و حاکمیت ملی این کشور را نیز نادیده گرفته است (Bernard, 2018).

اما مسئله اساسی این بود که آیا خروج از اساسنامه، صلاحیت دیوان را نسبت به جرائم ارتكابی پیش از تاریخ خروج از بین

حقوقی و اعمال و اجرای آن بدون پشتوانه اجرایی کافی در برابر قدرت سیاست شکننده و بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود.

۳-۲- پرونده رودریگو دوترته و تقابل عدالت کیفری بین‌المللی با خروج از اساسنامه رم

۳-۱- زمینه‌های شکل‌گیری پرونده دوترته

پرونده رودریگو دوترته از مهم‌ترین پرونده‌های معاصر دیوان کیفری بین‌المللی است که در بستر سیاست موسوم به «جنگ با مواد مخدر» در فیلیپین شکل گرفت. دوترته پس از تصدی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۶، سیاستی سخت‌گیرانه و امنیت‌محور علیه قاچاقچیان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر در پیش گرفت (ناصری پیلهدرق و حسینی اکبرنژاد، ۱۴۰۲). در نتیجه اجرای این سیاست، هزاران نفر در عملیات پلیسی یا اقدامات متناسب به گروه‌های شبه‌نظامی و نیروهای خودسر جان باختند تا جایی که گزارشگران بین‌المللی این وضعیت را نگران‌کننده و واجد نشانه‌هایی از قتل‌های فرا قضایی دانستند.

بخش مهمی از اتهامات وارده بر این اساس استوار بود که بسیاری از قربانیان بدون دادرسی منصفانه و خارج از فرآیند قضایی محاکمه و مجازات شده‌اند. از این‌رو، مسئله صرفاً مبارزه با جرم نبود، بلکه رعایت حقوق بنیادین شهروندان و حدود اختیارات دولت موضوع اصلی مورد مناقشه و بررسی بود (Delmas-Marty 2004)؛ چراکه حتی سیاست‌های امنیتی نیز نمی‌توانند جایگزین اصول بنیادین عدالت کیفری شوند.

با توجه به عضویت فیلیپین در اساسنامه رم در زمان وقوع بخش مهمی از این رویدادها، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بررسی مقدماتی وضعیت این کشور را آغاز کرد. همین اقدام سبب شد موضوع از سطح داخلی فراتر رفته و به یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تعارض میان حاکمیت دولت و پاسخگویی بین‌المللی تبدیل شود.

۳-۲- آغاز تحقیقات و واکنش دولت فیلیپین

دادستان دیوان پس از دریافت گزارش‌های متعدد از نهادهای حقوق بشری (Human Rights Watch, 2017)، روند

¹ - United Nations Human Rights Council, Situation of Human Rights in the Philippines: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights, UN Doc. A/HRC/44/22, Geneva, 29 June 2020, paras. 25–31, 36–38.

می‌برد یا خیر. دیوان کیفری بین‌المللی تصریح کرد که خروج دولت، تأثیری بر صلاحیت نسبت به جرائمی که در دوره عضویت رخ داده ندارد. چراکه پذیرش تفسیر خلاف آن، راه فراری خطرناک برای مرتکبان دارای مقامات سیاسی و نظامی در رده‌های بالا ایجاد می‌کند.

از منظر حقوقی، پرونده دوترته آزمونی مهم برای اصل استمرار تعهدات ناشی از عضویت بود. اگر دولت‌ها بتوانند با خروج از معاهده، مسؤلیت نسبت به رفتارهای گذشته را منتفی سازند، کارآمدی بسیاری از معاهدات بین‌المللی نه تنها تضعیف می‌شود، بلکه در عمل بی‌اعتبار می‌گردد.

دیوان کیفری بین‌المللی در پی خروج دولت فیلیپین از اساسنامه رم اعلام کرد که نسبت به جرائم احتمالی ارتكابی در بازه عضویت فیلیپین دارای صلاحیت است و تحقیقات می‌تواند ادامه یابد. این موضع از حیث حقوقی نشان‌دهنده و تقویت‌کننده اصل پاسخگویی بود، چراکه مانع از آن می‌شد که خروج از معاهده به ابزار فرار از اجرای عدالت تبدیل شود.

۳-۴- صلاحیت دیوان و چالش‌های اجرایی

با وجود این، مشکل اصلی در حوزه اجرا همچنان باقی ماند. پس از خروج فیلیپین، میزان همکاری دولت فیلیپین با نهادهای دیوان به شدت کاهش یافت و دسترسی به اسناد، شهود و صحنه‌های جرم با دشواری بیشتری همراه شد (Corten, 2016)؛ این امر نشان می‌دهد که در حقوق کیفری بین‌المللی، فاصله میان صلاحیت قضایی و امکان اجرای عملی همواره مسئله‌ای بنیادین و چالش‌برانگیز است.

از سوی دیگر، فضای سیاسی داخلی فیلیپین نیز بر روند پرونده اثرگذار بود. بخشی از جامعه، سیاست ضد مواد مخدر را اقدامی ضروری برای حفظ نظم عمومی می‌دانست (Gerona, 2016)؛ این امر نشان می‌دهد که در حقوق کیفری بین‌المللی، فاصله میان صلاحیت قضایی و امکان اجرای عملی همواره مسئله‌ای بنیادین و چالش‌برانگیز است.

از سوی دیگر، فضای سیاسی داخلی فیلیپین نیز بر روند پرونده اثرگذار بود. بخشی از جامعه، سیاست ضد مواد مخدر را اقدامی ضروری برای حفظ نظم عمومی می‌دانست (Gerona, 2016)؛ این امر نشان می‌دهد که در حقوق کیفری بین‌المللی، فاصله میان صلاحیت قضایی و امکان اجرای عملی همواره مسئله‌ای بنیادین و چالش‌برانگیز است.

۳-۵- ارزیابی انتقادی پرونده دوترته

پرونده دوترته نشان داد که مقاومت دولت‌ها در برابر دیوان صرفاً در قالب عدم همکاری مستقیم ظاهر نمی‌شود، بلکه می‌تواند از مسیر استفاده از ابزارهای حقوقی مانند خروج از معاهده نیز صورت گیرد. این الگو نسبت به پرونده کنیاتا متفاوت است؛ زیرا در آنجا دولت عضو باقی ماند اما همکاری نکرد، درحالی‌که در اینجا دولت کوشید رابطه حقوقی خود با دیوان را خاتمه دهد. در عین حال، واکنش دیوان مبنی بر حفظ صلاحیت نسبت به جرائم سابق، از منظر هنجاری اهمیت زیادی داشت. این تصمیم پیام روشنی برای جامعه بین‌المللی دارد که ترک عضویت نمی‌تواند سپری برای مصونیت در قبال جرائم ارتكابی در زمان عضویت در گذشته باشد.

با این همه، تجربه فیلیپین نیز بار دیگر نشان داد که موفقیت دیوان تنها با صدور تصمیمات حقوقی تضمین نمی‌شود. بدون همکاری اجرایی دولت‌ها و حمایت سیاسی کافی، پیشبرد تحقیقات با محدودیت جدی مواجه خواهد شد. بنابراین، پرونده دوترته نیز مانند پرونده کنیاتا، شکاف میان اقتدار حقوقی و توان عملی دیوان را بار دیگر آشکار ساخت.

۴- تحلیل تطبیقی پرونده‌های کنیاتا و دوترته و ارزیابی تقابل عدالت و سیاست

۴-۱- وجوه اشتراک دو پرونده در محدودسازی عدالت کیفری بین‌المللی

پرونده‌های کنیاتا و دوترته با وجود تفاوت‌های جغرافیایی و سیاسی، در یک نقطه مشترک‌اند و آن تلاش دولت‌ها برای محدودسازی مداخله دیوان کیفری بین‌المللی است. در هر دو پرونده، دولت‌های مربوط کوشیدند صلاحیت یا کارآمدی دیوان را با توسل به ابزارهای سیاسی و حقوقی کاهش دهند. این امر

¹ - Situation in the Republic of Burundi, Public Redacted Version of “Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Burundi”, Pre-Trial Chamber III, International Criminal Court, ICC-01/17-9-Red, 25 October 2017, paras. 23–25.

² - Situation in the Republic of the Philippines, Decision on the Prosecutor’s Request for Authorisation of an Investigation pursuant to Article 15(3) of the Rome Statute, Pre-Trial Chamber I, International Criminal Court, ICC-01/21-12-Red, 15 September 2021, paras. 57–65.

معاهده، شدیدترین شکل اعتراض حقوقی دولت به عملکرد یک نهاد بین‌المللی محسوب می‌شود.

تفاوت دیگر بین این دو پرونده آن است که در پرونده کنیاتا، اتحادیه آفریقا به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای نقش مهمی در حمایت سیاسی از کنیا داشت، درحالی‌که در پرونده دوترته چنین پشتوانه منطقه‌ای سازمان‌یافته‌ای مشاهده نشد. این مسئله بر میزان فشار سیاسی وارد بر دیوان نیز اثرگذار بود.

۲-۴- نقاط ضعف ساختاری دیوان در پرتو دو پرونده

مهم‌ترین ضعف ساختاری دیوان که در هر دو پرونده آشکار شد، وابستگی شدید دیوان کیفری بین‌المللی به همکاری دولت‌هاست. دیوان فاقد نیروی اجرایی مستقل برای بازداشت متهمان، دسترسی به اسناد و حمایت کامل از شهود است (ادیبان و افروغ، ۱۴۰۱). از این‌رو، هرگاه دولت‌ها اراده همکاری نداشته باشند، فرآیند دادرسی با مانع جدی مواجه می‌شود.

ضعف دیگر، طولانی شدن فرآیند رسیدگی است. پیچیدگی تحقیقات بین‌المللی، محدودیت منابع و مقاومت سیاسی دولت‌ها سبب می‌شود رسیدگی‌ها زمان‌بر گردد. این تأخیرها می‌تواند اعتماد قربانیان و افکار عمومی را کاهش دهد و احساس بی‌اثر بودن عدالت را تقویت کند.

همچنین بررسی انتقادی دو پرونده نشان داد که مشروعیت هنجاری دیوان همواره با مشروعیت سیاسی آن یکسان نیست. ممکن است تصمیمات دیوان از منظر حقوقی صحیح باشد، اما در عرصه سیاسی با مخالفت گسترده‌ای مواجه شود. این شکاف، یکی از دشوارترین مسائل پیش روی عدالت کیفری بین‌المللی است که می‌تواند به تضعیف اجرای احکام، کاهش همکاری دولت‌ها و در نهایت محدود شدن اثربخشی عملی

نشان می‌دهد که چالش اصلی دیوان، صرفاً اثبات جرائم نیست، بلکه مواجهه با مقاومت ساختاری دولت‌ها نیز هست که حتی در برخی موارد از اثبات جرائم دشوارتر است.

وجه اشتراک دیگر، پیوند مستقیم متهمان با رأس قدرت سیاسی بود. اوهورو کنیاتا رئیس‌جمهور کنیا و رودریگو دوترته رئیس‌جمهور فیلیپین بودند. هنگامی که شخص متهم در جایگاه عالی اجرایی قرار دارد، امکان دسترسی به اسناد، شهود و سازوکارهای داخلی نظارتی دشوارتر می‌شود (Cryer, 2019). با این توضیحات به نظر می‌رسد پرونده‌های مرتبط با رهبران سیاسی، سخت‌ترین آزمون برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به شمار می‌روند. همچنین در هر دو پرونده، دولت‌ها تلاش کردند رسیدگی دیوان را به‌عنوان تعرض به حاکمیت ملی معرفی کنند. این استدلال، اگرچه در ظاهر مبتنی بر اصل استقلال دولت‌هاست، اما در عمل می‌تواند به ابزاری برای گریز از پاسخگویی تبدیل شده و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی را با چالش اساسی مواجه سازد.

۳-۴- تفاوت الگوهای مقاومت در دو پرونده

با وجود اشتراک‌های فوق، شیوه مقاومت دولت‌ها در دو پرونده یکسان نبود. در پرونده کنیاتا، کنیا عضو اساسنامه رم باقی ماند، اما از طریق کاهش همکاری، تأخیر در ارائه اسناد، فشارهای سیاسی و بسیج حمایت منطقه‌ای، روند رسیدگی را با مانع روبه‌رو ساخت. بنابراین، الگوی مقاومت در این پرونده بیشتر مبتنی بر «عدم همکاری از درون نظام» بود. در مقابل، فیلیپین در پرونده دوترته مسیر متفاوتی برگزید و با اعلام خروج از اساسنامه رم کوشید رابطه حقوقی خود با دیوان را محدود کند. این الگو را می‌توان «مقاومت از طریق گسست نهادی» نامید (Bernard, 2018). از این‌رو، شاید بتوان گفت خروج از

^۱ - به عنوان نمونه، در پرونده کنیا به‌دلیل جمع آوری ادله در شرایط خشونت پس از انتخابات، پراکندگی شهود، ترس قربانیان و نبود دسترسی مستقیم و ساختار جرایم که به صورت گسترده و سیستماتیک واقع شده بود، باعث پیچیدگی تحقیقات گردید.

Situation in the Republic of Kenya, Decision on the Authorization of an Investigation pursuant to Article 15 of the Rome Statute, Pre-Trial Chamber II, International Criminal Court, ICC-01/09-19-Corr, 31 March 2010, paras. 27-34.

^۲ - به عنوان نمونه، در پرونده اوگاندا، دیوان به‌دلیل فقدان ظرفیت اجرایی گسترده در محل ارتکاب جنایت، وابستگی تحقیقات به همکاری دولت‌ها و نهادهای محلی و محدودیت منابع انسانی با محدودیت منابع روبه‌رو گردید.

Situation in Uganda, Decision on the Prosecutor's Application for Warrants of Arrest, Pre-Trial Chamber II, International Criminal Court, ICC-02/04-01/05-1, 8 July 2005, paras. 48-52.

۵-۴- جمع‌بندی تحلیلی

مطالعه تطبیقی پرونده‌های کنیاتا و دوترته نشان می‌دهد که تقابل عدالت و سیاست در دیوان کیفری بین‌المللی امری استثنایی نیست، بلکه بخشی از واقعیت مستمر عملکرد این نهاد است. هرگاه تعقیب کیفری متوجه صاحبان قدرت سیاسی شود، احتمال بروز مقاومت ملی و بین‌المللی افزایش می‌یابد، با وجود این، بررسی این دو پرونده نشان می‌دهد که واقع‌گرایی سیاسی همواره به معنای شکست عدالت کیفری در عمل نیست. گاه مقاومت دولت‌ها سبب می‌شود نه تنها قواعد حقوقی روشن‌تر شوند، بلکه حدود صلاحیت دیوان توسعه یابد و اهمیت حمایت از قربانیان و شهود برجسته‌تر گردد (باقری‌نژاد، ۱۳۸۷). در نتیجه، مسئله اصلی نه وجود سیاست، بلکه چگونگی مدیریت آن در چارچوب اصول حقوقی است. آینده دیوان کیفری بین‌المللی تا حد زیادی به توانایی این نهاد در کاهش وابستگی اجرایی، حفظ مشروعیت سیاسی و تقویت اعتماد دولت‌ها، قربانیان و شهود وابسته خواهد بود.

نتیجه‌گیری

دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد دائمی عدالت کیفری بین‌المللی با هدف مقابله با بی‌کیفرمانی و تعقیب مرتکبان شدیدترین جنایات بین‌المللی تأسیس شده است، اما تجربه عملی آن نشان می‌دهد که تحقق عدالت در عرصه بین‌المللی همواره در تعامل و گاه در تعارض با ملاحظات سیاسی قرار دارد. بررسی پرونده‌های اوهورو کنیاتا و رودریگو دوترته نشان داد که هرگاه رسیدگی کیفری متوجه رهبران سیاسی یا سیاست‌های کلان دولت‌ها شود، مقاومت در برابر

دیوان در تحقق اهداف عدالت کیفری بین‌المللی منجر شود؛ به‌گونه‌ای که دیوان در سطح هنجاری واجد اعتبار حقوقی باقی می‌ماند، اما در سطح کارکردی و سیاسی با چالش‌های جدی در اجرای تصمیمات خود مواجه می‌شود.

۴-۴- ظرفیت‌های مثبت دیوان در برابر فشارهای سیاسی

با وجود محدودیت‌ها و چالش‌های مطرح شده، می‌توان گفت روند رسیدگی به دو پرونده یادشده الزاما به معنای ناکامی یا ناکارآمدی دیوان نیست. در پرونده کنیاتا، طرح اتهام علیه رئیس‌جمهور مستقر این پیام را منتقل کرد که مقام سیاسی به‌خودی‌خود مصونیت مطلق ایجاد نمی‌کند. در پرونده دوترته نیز تأکید دیوان بر حفظ صلاحیت نسبت به جرائم ارتكابی در دوره عضویت، از منظر حقوقی اهمیت بنیادین داشت.

این رویکرد را برای جلوگیری از شکل‌گیری فرهنگ فرار از مسؤولیت ضروری است (Pellet, 2011). حتی در مواردی که رسیدگی به نتیجه نهایی نرسد، آغاز تحقیقات و ثبت رسمی ادعاهای قربانیان می‌تواند آثار هنجاری و سیاسی مهمی مانند افزایش پاسخگویی دولت‌ها، تقویت مستندسازی نقض حقوق بشر و ایجاد فشار بین‌المللی برای اصلاح رفتار مرتکبان بر جای گذارد. افزون بر این، دیوان با ایجاد فشار بین‌المللی، گاه دولت‌ها را به اصلاحات داخلی، تشکیل کمیسیون‌های^۱ حقیقت‌یاب یا تقویت نظارت قضایی^۲ سوق می‌دهد. بنابراین،^۳ کارکرد دیوان را نباید صرفا به صدور حکم محکومیت محدود کرد و ارزیابی عملکرد دیوان را منحصر به آن دانست.

^۱ - پرونده کنیا، دیوان تأکید می‌کند که دولت کنیا باید نظام قضایی داخلی خود را تقویت کند. چرا که تکمیلی بودن صلاحیت دیوان، مستلزم اصلاح ظرفیت‌های داخلی است.

Situation in the Republic of Kenya, Decision on the Authorization of an Investigation pursuant to Article 15 of the Rome Statute, Pre-Trial Chamber II, International Criminal Court, ICC-01/09-19-Corr, 31 March 2010, paras. 179-182.

^۲ - کمیسیون حقیقت‌یاب واک (Waki Commission) در نتیجه فشارهای داخلی و بین‌المللی در ارتباط با امکان مداخله دیوان تشکیل گردید. Report of the Commission of Inquiry into Post-Election Violence (CIPEV), Kenya (Waki Report), Government of Kenya, October 2008, pp. 377-385.

^۳ - به عنوان نمونه، در پرونده دارفور سودان دیوان بر تعهد دولتها به اجرای دستورات بازداشت تأکید کرد و بیان کرد در صورت عدم همکاری دولتها، سازوکارهای نظارتی را فعال می‌سازد.

The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Decision on Cooperation of the Republic of Sudan regarding the Arrest and Surrender of Omar Al-Bashir, Pre-Trial Chamber I, International Criminal Court, ICC-02/05-01/09-139, 9 April 2014, paras. 21-27.

دیوان افزایش می‌یابد و سازوکارهای حقوقی با محدودیت‌های اجرایی مواجه می‌شوند.

در پاسخ به پرسش اصلی مقاله مبنی بر اینکه تقابل عدالت و سیاست در رویه دیوان کیفری بین‌المللی چگونه بروز می‌یابد، یافته‌های پژوهش نشان داد این تقابل عمدتاً از سه مسیر ظاهر می‌شود: نخست، عدم همکاری دولت‌ها در ارائه اسناد، حمایت از شهود و اجرای تصمیمات دیوان؛ دوم، بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک برای تضعیف مشروعیت دیوان؛ و سوم، استفاده از سازوکارهای حقوقی مانند خروج از اساسنامه رم برای محدودسازی صلاحیت دیوان. پرونده کنیاتا نمونه الگوی نخست و دوم و پرونده دوترته نمونه برجسته الگوی سوم به شمار می‌رود. فرضیه اصلی مقاله مبنی بر اینکه مهم‌ترین مانع تحقق عدالت کیفری بین‌المللی نه کمبود قواعد حقوقی، بلکه وابستگی ساختاری دیوان به اراده سیاسی دولت‌هاست، در پرتو دو پرونده مورد بررسی تأیید شد. هر دو پرونده، نشان دادند که بدون همکاری دولت‌ها، حتی دقیق‌ترین قواعد حقوقی نیز با مانع اجرا روبه‌رو می‌شوند.

در پاسخ به پرسش دوم مقاله درباره میزان کارآمدی دیوان در برابر این فشارها، تحقیق نشان داد که دیوان از حیث هنجاری و حقوقی دستاوردهای مهمی داشته است. تعقیب رهبران سیاسی، محدود کردن ادعای مصونیت، تثبیت اصل پاسخگویی و تأکید بر استمرار صلاحیت نسبت به جرائم گذشته از جمله این دستاوردهاست. با این حال، وابستگی شدید دیوان به همکاری دولت‌ها، فقدان ابزاری اجرایی مستقل و طولانی شدن رسیدگی‌ها، کارآمدی عملی آن را کاهش داده است.

در پاسخ به پرسش سوم مبنی بر اینکه کدام‌یک از دو مؤلفه عدالت یا سیاست در این پرونده‌ها دست بالا را داشته‌اند، یافته‌ها حاکی از آن است که در کوتاه‌مدت، سیاست غالباً توانسته روند دادرسی را کند، محدود یا متوقف سازد؛ اما در بلندمدت، عدالت نیز از طریق تثبیت قواعد حقوقی، ثبت روایت قربانیان و ایجاد فشار هنجاری آثار خود را بر جای گذاشته است. بنابراین، رابطه میان عدالت و سیاست را نباید صرفاً به پیروزی کامل یکی بر دیگری تقلیل داد.

مهم‌ترین نتیجه پژوهش آن است که بحران اصلی دیوان کیفری بین‌المللی بحران «اجرا» است نه بحران «مشروعیت حقوقی». به بیان دیگر، مسئله اساسی آن نیست که دیوان حق رسیدگی دارد یا خیر، بلکه آن است که چگونه می‌تواند تصمیمات خود را در برابر مقاومت دولت‌ها مؤثر ساخته و به اجرا گذارد.

با توجه به یافته‌های دو پرونده چند راهکار قابل طرح است؛ نخست، ضمانت اجراهای مؤثرتری برای عدم همکاری دولت‌ها در چارچوب اساسنامه رم پیش‌بینی شود. دوم، سازوکارهای حمایت از شهود و حفاظت از ادله در پرونده‌های سیاسی تقویت گردد. سوم، همکاری نهادهای منطقه‌ای با دیوان از طریق گفت‌وگوی نهادی و کاهش بی‌اعتمادی سیاسی افزایش یابد. چهارم، دیوان با اصلاحات مدیریتی، سرعت و شفافیت رسیدگی‌ها را ارتقا دهد. پنجم، جامعه بین‌المللی از سیاسی‌سازی گزینشی عدالت کیفری پرهیز کرده و استانداردهای واحدتری در قبال جنایات بین‌المللی اتخاذ کند.

در نهایت، آینده دیوان کیفری بین‌المللی در گرو آن است که بتواند میان آرمان عدالت و واقعیت سیاست تعادلی پایدار برقرار سازد. اگر این تعادل ایجاد نشود، خطر تضعیف اعتماد عمومی و کاهش اثرگذاری این نهاد افزایش خواهد یافت، اما اگر اصلاحات لازم صورت گیرد، دیوان همچنان می‌تواند مهم‌ترین امید جامعه جهانی برای مقابله با بی‌کیفرمانی باقی بماند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات به مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: در تدوین این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود نداشته است.

سهم نویسندگان: نگارش این مقاله توسط نویسنده مسؤول انجام شده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ادیبان، فرزاد و افروغ، عبدالمجید (۱۴۰۱). «بررسی و تحلیل جایگاه و نقش پلیس بین‌الملل در مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی»، *مجله امنیت انتظامی دریایی*، ۰(۴۸): ۱-۳۸.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۸). *حقوق بین‌الملل کیفری*. تهران: انتشارات میزان.
- باقری‌نژاد، زینب (۱۳۸۷). «حمایت از شهود در فرآیند کیفری». *مجله مطالعات پیشگیری از جرم*، ۰(۶): ۱۱۱-۱۳۹.
- خبازی‌خادر، سیدطاهره و سیدزاده‌ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۸). «محاکمه گیایی در دیوان کیفری بین‌المللی تأثیر متقابل پرونده کنیا و مصوبات مجمع عمومی کشورهای عضو». *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۸(۱): ۲۳-۴۸.
- رضایی، علیرضا (۱۴۰۰). *صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی و محدودیت‌های سیاسی آن*. تهران: دانشگاه تهران.
- سیفی، آناهیتا و نریمانی، یاسر (۱۳۹۸). «چالش‌ها و ضعف‌های اجرایی تصمیمات دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف*، ۲(۷): ۲۹-۵۶.
- فروغی‌نیا، حسین (۱۳۹۸). «موانع و چالش‌های اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی در تقویت ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه». *مجله تعالی حقوق*، ۵(۱): ۳۷-۷۴.
- لسانی، سیدحسام‌الدین (۱۴۰۱). «نقش اخبار جعلی رسانه‌ها در عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری با تأکید بر پرونده کنیا». *پژوهشنامه رساله بین‌الملل*، ۷(۹): ۱۱۳-۱۳۰.
- محمدی، رضا (۱۳۹۸). *کارآمدی دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو رویه قضایی*. تهران: جنگل.
- ناصری‌پیلهدرق، نادر و حسینی‌اکبرنژاد، حوریه (۱۴۰۲). «قانون جدید مبارزه با تروریسم در فیلیپین و تعارض با نظام حقوق بشر بین‌الملل». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۲۲(۵۶): ۱۶۳-۲۰۲.

ب. منابع انگلیسی

- Ascensio, H (2015). "La Justice Pénale Internationale et la Souveraineté". *Revue Générale de Droit International Public*, 119(2): 221-241.
- Bernard, P (2018). *La Cour Pénale Internationale Face Aux Résistances Etatiques*. Paris: Université Panthéon-Sorbonne.
- Corten, O (2016). "Coopération Etatique et Justice Pénale Internationale". *Revue Belge de Droit International*, 49(1): 181-199.
- Delmas-Marty, M (2004). *Trois Défis Pour UN Droit Mondial*. Paris: Seuil.
- Dioquino, C. P, & Gerona, R. R (2022). "A Critical Review of Drug Testing Policy in the Philippines". *Drug Science, Policy and Law*.
- Human Rights Watch (2017). *Permis de Tuer: Les Homicides Commis par la Police Phillipine dans le Cadre de la «Guerre Contre la Drogue» Menée par Duterte*. New York: NY: Author.
- Pellet, A (2011). "La Compétence de la Cour Pénale Internationale". *Journal du Droit International*, 138(2): 241-268.
- African Union. (2013, October 12). *Decision on Africa's Relationship with the International Criminal Court (ICC) (Ext/Assembly/AU/Dec.1 (Oct.2013))*. Addis Ababa, Ethiopia, paras. 8-10.
- Assembly of the African Union (2009, July 3). *Decision on the Progress Report of the Commission on the Implementation of Assembly Decisions on the International Criminal Court (Assembly/AU/Dec.245 (XIII) Rev.1)*. Sirte.
- International Criminal Court. (2005, July 8). *Decision on the Prosecutor's Application for Warrants of Arrest: Situation in Uganda (ICC-02/04-01/05-1). Pre-Trial Chamber II, paras. 48-*
- International Criminal Court. (2005, July 8). *Decision on the Prosecutor's Application for Warrants of Arrest under Article 58: The Prosecutor v. Joseph Kony, Vincent Otti, Okot*

- International Criminal Court (2014, December 5). *The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta: Prosecution Notice of Withdrawal of the Charges against Uhuru Muigai Kenyatta* (ICC-01/09-02/11-1005). Trial Chamber V(b).
- International Criminal Court. (2016, October 19). *The Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, Aimé Kilolo Musamba, Jean-Jacques Mangenda Kabongo, Fidèle Babala Wandu and Narcisse Arido: Judgment pursuant to Article 74 of the Rome Statute* (ICC-01/05-01/13-1989-Red). Trial Chamber VII.
- International Criminal Court. (2017, October 25). *Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Burundi* (ICC-01/17-X-9-US-Exp). Pre-Trial Chamber III.
- International Criminal Court. (2017, October 25), *Situation in the Republic of Burundi: Public Redacted Version of Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Burundi* (ICC-01/17-9-Red). Pre-Trial Chamber III, paras. 23–25.
- International Criminal Court. (2019, May 6). *Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir: Judgment in the Jordan Referral re Al-Bashir Appeal* (ICC-02/05-01/09-397). Appeals Chamber.
- International Criminal Court. (2021, September 15). *Situation in the Republic of the Philippines, Decision on the Prosecutor's Request for Authorization of an Investigation pursuant to Article 15(3) of the Rome Statute* (ICC-01/21-12-Red). Pre-Trial Chamber I, paras. 57–65.
- Government of Kenya. (2008). *Report of the Commission of Inquiry into Post-Election Violence (CIPEV), Kenya (Waki Report)*, pp. 377–385.
- United Nations Security Council. (2002, July 12). *Resolution 1422 (2002) (S/RES/1422)*.
- United Nations Security Council. (2003, June 12). *Resolution 1487 (2003) (S/RES/1487)*.
- Odhiambo and Dominic Ongwen* (ICC-02/04-01/05-53). Pre-Trial Chamber II.
- International Criminal Court. (2010, March 31). *Decision on the Authorization of an Investigation pursuant to Article 15 of the Rome Statute: Situation in the Republic of Kenya* (ICC-01/09-19-Corr). Pre-Trial Chamber II, paras. 27–34.
- International Criminal Court. (2010, March 31). *Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya* (ICC-01/09-19-Corr). Pre-Trial Chamber II, paras. 50–51.
- International Criminal Court. (2010, March 31), *Decision Pursuant to Article 15 of the Rome on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya* (ICC-01/09-19-Corr). Pre-Trial Chamber II, paras. 179–182.
- International Criminal Court. (2012, January 23). *Decision on the Confirmation of Charges Pursuant to Article 61(7) (a) and (b) of the Rome Statute: The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta* (ICC-01/09-02/11-382-Red). Pre-Trial Chamber II, paras. 200–210, 410–420.
- International Criminal Court. (2014, February 7). *The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta: Decision on Prosecution's Request for Adjournment of the Provisional Trial Date* (ICC-01/09-02/11-898). Trial Chamber V(b).
- International Criminal Court. (2014, April 9). *The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Decision on Cooperation of the Republic of Sudan regarding the Arrest and Surrender of Omar Al-Bashir* (ICC-02/05-01/09-139). Pre-Trial Chamber I, paras. 21–27.
- International Criminal Court. (2014, September 18). *The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta, Order Vacating Trial Date of 7 October 2014, Convening Two Status Conferences, and Addressing Other Procedural Matters* (ICC-01/09-02/11-954). Trial Chamber V(b).
- International Criminal Court. (2014, December 3). *The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta: Decision on Prosecution's Application for a Further Adjournment* (ICC-01/09-02/11-981). Trial Chamber V(b).

- United Nations Security Council. (2005, March 31). *Resolution 1593 (2005): Situation in Darfur, Sudan, referred to the Prosecutor of the International Criminal Court by acting under Chapter VII of the UN Charter (S/RES/1593)*.

- United Nations Human Rights Council. (2020, June 29). *Situation of Human Rights in the Philippines: Report of the United Nations High Commissioner for Human Rights (UN Doc. A/HRC/44/22)*, paras. 25–31, 36–38.